پروندهای درباره مسأله فرد گرايي ضداجتماعي ايرانيان

ايران؛ جامعه يا فرد!

با مطالبی از بيژن عبدالكريمي محسن عليمر داني مصطفى اكبريان

در صفحه ۱۲ بخوانید... **، بربادرفتن دودمانها | برشی از رمان بینوایان ی** بستههای حمایتی برای کودکان کار

در صفحه ۱۱ بخوانید...

گفتو گو با کاوہ مظاہری

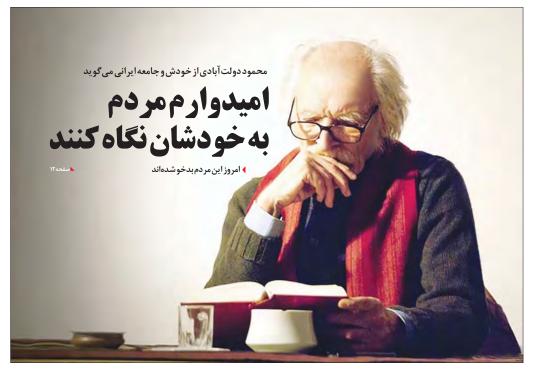
بیش از ۳۰۰۰ آدمي كهديده

نمىشوند

برگزاری سمینار «بارداری واعتیاد»

دیگر کسیاعتیادو كارتنخوابىزنانرا انكارنمىكند

واقعيت تكان دهنده است



دست یابد و چیزی را که دست کم تا آن زمان بر

خُوب نمى شناسند و به ارتباط دادن آسمان به

حامعــهای اســت که همــه حــــ: ش. در همــن

ـمان – به جای تحلیل واقعی – مشغولند،

گذری بر مسأله فردگرایی ضداجتماعی ایرانیان

ايران؛ جامعه يا فرد!

رخشان بنی اعتماد، کار گردان پر آوازه ایرانی که او نیز مانند شـمار دیگری از همکارانش در یک دهه گذشته دوران تلخی را از سر گذراندهاست، سال ها پیش فیلمی پرسروصدا با نام «زیر پوست شهم» ساخت که شهرت آن نه مانندېسياري ديگراز فيلمهاي سينمايي درايران مدیون سوپراســتارهای عجیب و غریبشان بود،

بدى كشيده مىشودو خودمردم طالب اين

مسعودر فيعى طالقانى

کمتر از ۱۰ روز قبل به همت دانشـکده

کمتر از ۱۰ روز قبل به همت تست. علوم اجتماعی دانشگاه تهران اولین همایش از سلسله همایشهای «جامعه ایرانی

و جامعه شناسان ایرانی، بر گزار شد که از قضا با استقبال خوب علاقه مندان (خوب در نسبت با

چه؟) مواجه شد. در این همایش از کوششهای

پ ۱۹۰۸ و به سام در ین سمیس ر موسستان جامعهشناسانه دکتر تقی آزادارمکی تقدیر بهعمل آمد. هنگامی که خبر برگزاری این

مایش منتشر شد، نکته بسیار قابل اعتنای همایش منتشر شد، نکته بسیار قابل اعتنای آن، حضور جامعهشناسی ارجمند یعنی دکتر

ر برادر به بود که برنامه همایش نشان می داد بوسف اباذری بود که برنامه همایش نشان می داد نرار است ۱۰ دقیقه ای در آن سخنرانی کند. اما

همان طور که پیش بینی می شده اباندری در این همایش حضور نیافت و دستاندر کاران برگزاری این برنامه گفتند که برای ایشان کاری غیرمنتظره

پیش آمده است. البته ما این را باُور نکردیم چه آن که اساذری نه در ساحت نظر و نسه در مقام

ی عمل از آن اُدمهایی نیست که بشود در چنین همایشی سراغش کرد آنچنان که ظریفی درباره

این همایش خساص ً می گفت: جامعهٔ شناسسان ایرانی، همه چیز را شناخته اند جز آنچه را که باید

ی ی یرای از چند روز پس از برگزاری این همایش بود که آقای ایاذری در نشستی که شماری از

جامعه شناسان در آن به بررسی علت حضور هـزاران نفـری مردم در مراســم تشــیع پیکر مرتضی پاشایی پرداختند، حضور یافت و سخنان

ییُ پروایی رانسبتُ بهاقدام بحث براُنگیز هُزاران نفر از مردم ایران در فقره پاشایی بیان کرد. او جامعه

ایرانی را در عصر سیاستزدایی شده، هوادار یک ابتذال محض خواند اباذری در این نشست در یک موضع گیری شفاف و بی پرده گفت: «موسیقی

این آقا در برابر آرمانهای اولیه انقلاب چه جایی دارد؟ هیچ. ابتذال و ســقوط. مردم و

دولت بــاهم این ســقوط را انجام می دهند.

ایس مستند، یک تحت سبه فاسیستنی دارد که من از آن وحشـت دارم. یک ترس

متقابل است... سیاستزدایی، انهدام هر آن چیزی است که برایش انقلاب شــد

و عده زیادی برایش ایستادهاند... چرا

وقتی یک روشسنفکر میمیرد کسی برای وقتی یک روشسنفکر میمیرد کسی برای تشسیح جنازهاش نمی رود؟ مگـر وقتی (ساموئل) بکت مرد، چند نفـر رفتند؟ ۳ نفر...این ماجرا نشانه بدی است، نشان این

است که سیاستزدایی دارد به یک جاهای

ن مسأله، یک نکته شبه فاش

ـر ی ۰۰۰ پـرر میشناختند؛یعنیجامعهایرانیرا!

اًین فیلــم البته در دورانی ســاخته شــد که این هیشم ابنیه در تورانی است کنه سند که بخش هایسی از بدنه سسینمای ایران، جســـارت پرداختن به مسائل واقعی جامعه ایرانی را یاقته بودند و میخواســـتند رواینگر واقعیتهای این جامعه باشند، چه آن که اساســـا پارادایم سینما نیز مانند بسیاری از حوزههای دیگر پس از دوم خرداد ۷۶ تغییر یافته بود. با ایس وجود اما زیر بوست شهر بسابیشتر از سایرین گل کرد چرا که نه سفارشی بودو نه فرمایشی؛ دوربین بنی اعتماد در حدمقدورات خود، توانسته بــود یک لایه از

بلکه این فیلم به سبب روایت یک زندگی پرمرارت شهری و خوانشی واقع گرایانه از حال و روز زندگی مردم عادی در کلانشهرهای ایران، شهرت یافت و عده زیادی به تماشایش نشسته و از آن تأثیر

پرده سینما نقش نبسته بود، به مخاطبش نشان دهد. بی تردیدالبته گذار از نگاه ایدئولوژیک، خود می توانست گامی اساسی برای نزدیک شدن به واقعيات جامعه باشد وبنى اعتماد با گذار از اين ید پلان به پلان همراهش می شد، می توانست آنهارا ببیند و این یعنی برای دیدن آسیبها که همان ۰۰۰ / ۳۰۰ می این است. واقعیتها بودند، باید به لایههای زیرین اجتماع و حسیت بردست بید با تا به هر روی سالیانی از سرک می کشسید. حالا که به هر روی سالیانی از آن ایام گذشته، دیگر فیلمی با عنوان زیرپوست شهر جذابیتی نخواهد داشت چراکه واقعیتها و آسیبها همین جا، بیخ گوش ما هستندو ر نیازی به آن نیست که کسی دوربینش را بردارد و لایههای اجتماعی را بشـکافد تا واقعیات دیده موند بدین اعتبار می توان مدعی شد جامعهای که حالا جامعه شناسانش هم بنا به گفته و تحلیل روشنفکر کارکشته ای مانند یوسف اباذری، آن را

عيُنيت اجتَماعي را بشــُكافد و به لايه زيرين آنُ

سطحهای بالایی هویداست و نیازی نیس در جستوجوی آسسیبها و بحرانها، دست به واكاوىهاى گسترده و زمان بر بزند • چطـور می تـوان گسـترش فضاهـای خصوصـی /محفلـی، فردیت غیراخلاقـی، کنش هـای خودمحور و اساسـا فرهنگ خودشـیفتگی و غیر اخلاقی، کنش های خودمجور و اساسه او هنگ خودشیفتگی و خودمحروی را در میان این مر دو تعلیل کره خودشیفتگی و تقریق سـاده است. جامعه ای که به بحرانهای عدیده اش که به چشم دیده می شوند – و قرار نیست برای دیدشتان کسی لایه های اجتماعی را بشکافت مجیع واکتشتی نشان تمین محمود رخوشیبنانترین حالت یک آت ساده می کشد، معلوم است که ضد اجتماعی و سیاست زدوده شده است.

 این جامعه البته خود محصول چندین دهه تحولات سیاسی، اقتصادی،
اجتماعی و فرهنگی اسـت اما حالا وقتی نه به گرانی، نه به فساد اداری و آن اقتصادی، نه به گسترش آسیبهای اجتماعی، نه به فرهنگ بی تفاوتی نسبت به سرنوشت دیگران، نه به گسترش فقر وبیکاری و بی خردی

واکنــش نشــاُن نمیدهـَـد و در عوض با شــمار هزاران نفری به یک مراســم می آیــد، معلوم ست که اجتماعی بودن خویش را از دست داده است و به تعبیر یوسف اباذری گرفتار در حیطه ابتذال است البته نه به آن معنایی که ـــد-بیدان است البیده به آن معنایی که دشمنان محافظه کار جشنوارههای سینمایی و موســیقایی همهسـاله می گوینــد و در بوق می کنند.

رد و نفی ایسن مدعا، حالا جامعهشسناسهای ما می گویند دیدید که یک جـوان خواننده میدهند. پرسـش امـا این جاسـت که چطور می توان گسترش فضاهای خصوصی ا محفلی، فردیت غیراخلاقی، کنش های خودمحور و اساسا فرهنگ خودشیفتگی و خودمحوری را در میان این مردم تحلیل کرد؟ حساب یک جمع و تفریق ساده است. جامعهای که به بحرانهای عدیدهاش که به چشم دیده نشان نمی دهد و در خوشبینانه ترین حالت یک آه ساده می کشد، معلوم است که ضد اجتماعی و سیاست زدوده شده است. این جامعه البته ر سیسسر روسی خود محصول چندین دهه تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است اما حالا وقتی نه به گرانی، نه به فساد اداری و اقتصادی، ریر نه به گســترش آســیبهای اجتماعــی، نه به فرهنگ بی تفاوتی نسبت به سرنوشت دیگران،

جامعه ما حالا بیشتر از هر زمان دیگری، خاصیت اجتماعی خود

راز دست داده است. بی تردید این مدعای بزرگی است که اگر کسی مطرح کند باید

برای اثبات آن ادله متقن داشته باشد. در

ت. دشــمنان محافظه کار جشنوارههای سینمایی و موســیقایی همهســاله می گوینـــد و در بوق . سحبـــت از فردگرایی عجیــب و غریب جامعه ایرانی، صحبت امروز و دیروز نیست بلکه به گذر ۔ ســالیان بازمی *گر*دد و هر روز بیشتر و بیشتر شده است.رواج بيمار گونه أين جُملُه كه «كُلاه خودت را بچسب كه باد آن را نبرد «نشانه و دليلي بر تأييداين ادعاست. این نوشتار کوتاه تنها یک جرقه است در صفحههاى طرحنومطرح كنيم

نه به گسترش فقر و بیکاری و بی خردی حساسیت نشان نمی دهد و در عوض با شمار

هــزاران نفری به یک مراســم می آیــد، معلوم

است که اجتماعی بودن خویش را از دست داده است و به تعبیر یوسف اباذری گرفتار در حیطه ابتذال است البته نه بـه آن معنایی که

زندكى ايراني درمحدوده رفع نيازها وتحقق منافع شخصي بيژنعبدالكريمي

> آدمهاتحت تاثیر موقعیتهای*ی ک*هدر آن قرار گُرفتهاندرفتارمی کنندو باورها،ارزشهاونگرشهای آنهاهم تابعهمانموُقعیتی ست که در آن قرار می گیرند. ن کر پر خودخواهی یاخودشیفتگی سوق دهد،مضر است

> > که فُراَیندهای مدرُن شدن گسترش پیدا می کند، طبیعتا فردگرایی هم توسعه می یابد به تعبیر دیگر، فردگرایی مفهومی است که وضعیت جامعه را توضیح می دهد و چگونگی خ داده است. فرآیندهای مدرن شدن همان ری شهرنشینی، صنعتی شدن، توسعه عقلاتیت در قالب توسعه نظامهای برو کراسی، دمو کراسی و

معماری، شهرسازی، شیوههای تولید و توزیع اقتصادی، نهادهای سیاسی و اجتماعی دیده میشود. بدون شک همه این تحولات در شرایط ی در جامعه موجب تاثیرات مثبت یا مُنفی در جنبه های ذهنی، ارزشها و باورها و نوع تلقی فرد می شود. چرا که بین عینیت و ذهنیت انسان ها همواره پیوستگی وجود دارد. آدمها تحت تاثیر موقعیت هایسی که در آن قرار گرفته انسد رفتار ر می کنندو باورهــا، ارزشها و نگرشهای آنها هم تابع همان موقعیتی است که در آن قرار می گیرند. فردگرایی هم از این منظر قابل بررسی است. اگر این فردگرایی انسان رابه خودپرستی، خودخواهی یاخودشیفتگی سوق دهد، مضراست.

اداُمه د، صفحه ۱۰

یر ... هنوز تغییر زیـادی نکرده

این عقیده را هم نقد کرد. چراکه مظاهر و نمادهای

فردگرایسی در جُامعه امروز ایران دیده می شود به بیان

دیگــر نوعــی فردگرایی و ارزشهــای فردگرایانه در

جامعه ما درحال گسترش

. است. اشــاره کــردم که فردگرایسی تحــت تاثیــر

تحولات نظهام احتماعي،

مي گيرد اگر از اين منظ

فردگرایسی در زندگسی مسدرن در مقابسل جمع گرایی توسیک می سود. جمع گرایی حالتی است که در آن ساختارهای جمعی مانند مذهب، خانواده، قومیت و آیینهای جمعی بەطور كلى برُ افراد جامعە، دیگر فرد در کنش ها و رفتار هایش همواره تابع ر می موردی ارزشهای جمعی است. فردوارزشهای فردی جایگاهی در این دیدگاه ندارد. جمع گرایی این فرصت رابه فردنمي دهد كه اميال، خواسته ها،

خودش را تحقق ببخشد. در مقابـل ایسن دیسدگاه فردگرایی مطرح است که می توان گفت به این معنی خودش, اتحقق ببخشد اصلی فرد میچرخُد و بُرُ اهمیت فرد و استقلال او در مقابــل محیط جمعی تأكيد دارد فردگرايسي اغلب به مثابه برداش و تلقى منفسى يا بدبينانه به کار برده میشود با این

> تغییر و تحول جامعه از یک وضعیت سنتی به وضعیت مدرن یاامروزی را به کمک این مفهوم شرح می دهند. ماوقتی که از فردگرایی در یک جامعه صحبت می کنیم باید ببینیم تا چه مقدار و چگونه فرآیندهای مدرن شدن در یک جامعه سازمانُ های اجتماعی جُدیداست. این مُقدمهُ را عنوان کردم تا بتوانیم مفهوم فردگرایی را در جامعه ایرانی موردبررسی قرار دهیم. برخی معتقدند که جامعه ایسران هنوز مدرن

فردگرایسی از الزامسات

نشده است. اگر چنین دیدگاهی را بپذیریم یعنی این که تحولات در حوزه شهرنشسینی یا صنعتی شدن و فعال شدن سازمانهای جدید و فناوری های نویس و همه تغییسرات عینی مدرنیته در ایران به طور کامل رخ نداده پس هنوز ر مرای کرد. جمع گرایی در کل کشـور حاکم است. جامعه ایران براساس این دیدگاه در حال گذار است، به این معنی که ابزارهای مدرنیته وارد کشور شده ری ریز اجتماعی وذهنی مردم مابرای پذیرش این تحول به اندازه کافی آماده نشده است. ما فقط بخشی از مصنوعات و کالاها و وجوه مــادی مدرنیته را در كشور داريم واز لحاظ ذهنى وشخصيتى جامعه،

است بااین حال می توان فردگرایی همازاین منظر قابل بررسی است.اگراین فردگرایی انسان رابه خود پرستی، ـــورت نعـــام اجتماعی، سیاســی، فرهنگــی و اقتصادی در جامعه شــکل

جامعــه ایرانــی را مــورد بررسی قرار دهیم این فرآیند از تَحول در شرایطً وابعادگوناگون جامعه مانندشیوه وسبکزندگی،